



## چالش های آموزشی مهاجرت نخبگان کشورهای در حال توسعه در عصر جهانی شدن

عباس شکاری<sup>۱</sup>، المیرا قاسمی<sup>۲</sup>

### چکیده:

در مقاله ارائه شده تاثیر جهانی شدن بر "فرار مغزها" در کشورهای در حال توسعه مطرح شده است. جهانی شدن در درجه اول در امکان تحرک آموزشی آشکار می شود.

رشد تحرک بین المللی کارکنان علمی به عنوان یک ویژگی جدایی ناپذیر از جهانی شدن علم است، و در این زمینه، مشکل "فرار مغزها" به ویژه در کشورهای در حال توسعه نگران کننده است. دلایل "فرار مغزها" در کشورها با استاندارد پایین زندگی و آموزش در ارتباط می باشد. که در مقاله حاضر نشان داده شده است. با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

کلمات کلیدی: جهانی شدن، سیاره ای شدن، مهاجرت نخبگان، فرار مغزها

### مقدمه و مبانی نظری

جهانی شدن دارای ابعاد و وجوه متعددی است، جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن سرمایه و ... یکی از این ابعاد نیز بعد ارتباطات است. برقراری ارتباط میان انسانها از دیرباز مورد توجه بوده است، ارتباطات زیر ساخت یک جامعه را تشکیل می دهد و فرآیند جهانی شدن خود متکی به افزایش ارتباط میان جوامع گوناگون بوده و هست. به عبارت دیگر این جهانی شدن ارتباط است که به جهانی شدن فرهنگ، سرمایه و اقتصاد و ... انجامیده است و اطلاعات مورد نیاز را با سرعتی شگفت آور جابه جا کرده و آنها را در اقصی نقاط جهان می پراکند.

یکی از مرتبط ترین نظریات درباره تاثیر تکنولوژی و ارتباطات بر پدیده فرار مغزها، جهانی شدن است. آنتونی گیدنز جهانی شدن را حاوی نیروهای متضاد می داند. برخی از نظریات جهانی شدن، اصطلاح فرار مغزها را درست نمی دانند و آن را به منزله تبادل اندیشه و چرخش ایده ها مطرح میکنند. از این رو، هرست و تامپسون معتقدند رهاورد اصلی جهانی شدن تحرک و جابجایی فزاینده افکار و اطلاعات است (شولت، ۱۳۸۲: ۷). واترز معتقد است

۱. دانشگاه کاشان، گروه علوم تربیتی، کاشان، ایران. [abbashekari45@gmail.com](mailto:abbashekari45@gmail.com)

۲. دانشگاه کاشان، گروه روانشناسی، کاشان، ایران. [Eli.gh1400@gmail.com](mailto:Eli.gh1400@gmail.com)



مهاجرت در فرایند جهانی شدن از بخش های کم رونق به بخش های پر رونق تر اتفاق می افتد. (واترز، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

موضوع مهاجرت نخبگان بحث تازه‌ای نیست، بلکه پدیده‌ای است که از دیرباز تاکنون به گونه‌های مختلف و چشمگیری در کشورهای جهان سوم دیده می‌شود و از این رهگذر در این کشورها صدمات جبران‌ناپذیری در بخش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تام ابعاد گوناگون جامعه وارد می‌شود که شاید جبران آن یکی از دشوارترین کارها برای این قبیل کشورها باشد. ادبیات مربوط به پدیده فرار مغزها از کانادا و کشورهای اتحادیه اروپا، نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی در جهان مطرح شد. با مراجعه به تاریخ و پیشینه این بحث، به روشنی می‌توان دریافت که مسأله جابه‌جایی و فرار و یا مهاجرت مغزها و نخبگان از یک جامعه به جامعه دیگر، کم و بیش در همه ادوار تاریخ بوده است. شاید ساده‌ترین شکل فرار مغزها را بتوان به این صورت تصور کرد که در هر دوره و در هر سرزمین، وقتی قومی یا حکومتی به اوج اقتدار و پیشرفت و آبادانی می‌رسید، هنرمندان، نخبگان و متخصصان سایر جوامع را به خود جذب می‌کرد و این مؤید یک نکته روان‌شناختی است: انسان فطرتاً راحت طلب است و هر کجا گذران زندگی او با آرامش و آسایش بیشتری شدنی باشد، آن جا به عنوان محل زندگی خود خواهد گزید. در تاریخ، همواره انسان‌ها و ارباب فضل، دانش و معرفت، صنایع، هنر و حرف هر جا را مناسب‌تر و امن‌تر برای زندگی خود می‌دیدند، به عنوان محل شغل و در نتیجه سکونت خود انتخاب می‌کردند. با این تفاوت که این نوع نقل و انتقالات و جابه‌جایی‌ها با پدیده «فرار مغزها» به اصطلاح امروزی آن، کاملاً تفاوت ماهوی داشت، به گونه‌ای که آن را به عنوان «مهاجرت» قلمداد می‌کردند. در حالی که، پدیده «فرار مغزها» امروزه در همه جوامع، به عنوان یک معضل و مشکل بلکه بحران اجتماعی و فرهنگی مطرح است، چرا که مهاجرت نخبگان در گذشته، تابع عرضه و تقاضا و محدود به احتیاجات و نیازهای جامعه مقصد بوده و از این روی، همواره شکل منطقی و طبیعی به خود می‌گرفت و هرگز به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح نبود.

اما به تدریج و با پیشرفت حیرت‌آور فناوری برخی کشورها از یک سو و عقب ماندگی بسیاری از کشورها از سوی دیگر و در نتیجه، پیشرفت فناوری در رشته‌های گوناگون علوم و فراهم بودن وسایل و ابزارهای تحقیق و پژوهش و نیز آماده بودن شرایط زندگی و دستمزد مناسب در این کشورها، موجب شد که افراد متخصص و ماهر، فرهیخته و کارآموده از سراسر جهان به این کشور سرازیر شوند و نوعی دشواری اجتماعی و عدم تعادل ساختاری از لحاظ نیروهای انسانی در کشورها را پدید آورند. پدیده «فرار مغزها» در دوره کنونی برخلاف گذشته که مهاجرت نیروهای نخبه و متخصص امری طبیعی و منطقی می‌نمود و تابع عرضه و تقاضا بود، امروزه در بیشتر موارد، نه کشورهای مقصد و مهاجرپذیر نیاز به این همه مهاجر دارند و نه کشورهای مبدأ از وجود همه این نیروها بی‌نیازند، بلکه بر پایه یکی از آمارهای منتشره با این که کشورهایی مثل هند و پاکستان از نظر پزشک در تنگنا



هستند، اما پزشکان آنها که در انگلستان ساکن شده‌اند، درصد بالایی از جامعه پزشکی این کشور را تشکیل می‌دهند.

فرار مغزها که عموماً به منزله مسئله ای اجتماعی تعریف می‌شود، بیانگر این واقعیت است که افراد دارای استعداد علمی، اقتصادی، مدیریتی، فکری یا سیاسی با توجه به شرایط محیط اجتماعی از جمله کمبود امکانات و تسهیلات، ضعف در نظام آموزشی و دانشگاهی، بی‌اعتنایی به تولیدات و یا ایده‌های علمی، فقدان نظام جذب و تقویت دستاوردها و نظرات خلاقانه، مشکلات در تامین مالی، یا کم توجهی به سرمایه گذاری داخلی در حمایت از طرح‌های پژوهشی و علمی یا به لحاظ تنگناهای فرهنگی، سیاسی یا ایدئولوژیکی، اقدام به مهاجرت دائمی یا موقت از کشور خود می‌کنند. پس از مهاجرت ممکن است که ارتباط یا مشارکت علمی چنین افرادی با جامعه خود حفظ یا قطع شود. البته در کشورهای غربی هم مهاجرت اروپاییان به آمریکا در دهه ۱۹۶۰ به ویژه از انگلستان را می‌توان یک نمونه از چنین مهاجرتی دانست (نراقی، ۱۳۵۰: ۱۸۸-۱۹۰).

سیستم‌های نوین آموزشی روابط بیشتر و بیشتر نه تنها شامل کشورهای جدید بلکه به اقشار جدید آموزش وابسته است. جهانی شدن در درجه اول در امکان تحرک آموزشی آشکار می‌شود.

رشد تحرک بین‌المللی کارکنان علمی ویژگی جدایی ناپذیر از جهانی شدن علم است، و در این زمینه، مشکل "فرار مغزها" در کشورهای در حال توسعه نگران کننده است. ۱۵٪ تا ۲۰٪ از فارغ التحصیلان دانشگاه کشور را ترک و در جستجوی فرصت خودشناسی می‌باشند. مشکل "فرار مغزها" به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی محسوب می‌شود. فقط بیانیه ای از دلایل "فرار مغزها" برای از بین بردن این پدیده کافی نیست. کشورها در تلاش جدی سیاسی، اجتماعی و قانونی هستند. با این حال، این دوره از این پدیده تقریباً غیر ممکن است که معکوس باشد. این پدیده باید رسماً به عنوان یک مشکل شناخته شده و اقدامات جامع باید انجام شود، اول از همه، اصلاح سیستم آموزش و پرورش و علم است. با عنایت به اینکه طی سالهای اخیر، موج جدیدی از مهاجرت سرمایه انسانی گسترش یافته است، نویسندگان می‌کوشد تا در این مقاله نسبت میان فرآیند جهانی شدن و فرار مغزها را به تامل و ژرف کاوی کشد.

فرایند جهانی شدن نیز باید در جهت مخالف استفاده شود. دانشگاه‌های جهان کشورهای دهنده می‌تواند با استفاده از مشاوره علمی، کمک در تهیه برنامه‌های درسی بر اساس روند جهانی و توسط تحقق مناطق خاصی از علم، آموزش پزشکان و استادان کمک کند. این امر می‌تواند شامل تحقیقات دانشمندان کشورهای در حال توسعه به تحقیقات مربوط به مشکلات میهن خود، که نتایج آن می‌تواند مورد استفاده برای رفع مشکلات جهانی باشد. این شرایط برای تبادل تجربه، دریافت کمک مالی بیشتر و همچنین استفاده از دستاوردهای علمی دانشمندان بدون "فرار مغزها" به خارج از کشور را سبب می‌شود. جهانی شدن نتیجه ارز مرزی از اطلاعات



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



است، در حالی که خروج از کشور توسط دانشمندان و جوانان برای خارج از کشور در نتیجه، سیاسی، بحران مالی و اجتماعی اصل باقی مانده مورد استفاده برای حل مشکلات علم و آموزش و پرورش است. بنابراین، راه حل این مشکل به طور عمده در راه حل علل اولیه اساسی است.

در طول توسعه صنعتی از عوامل اصلی پیشرفت زمین، نیروی کار و سرمایه بود. جهانی شدن در درجه اول در امکان تحرک آموزشی آشکار می شود. رشد تحرک بین المللی از کارکنان علمی ویژگی جدایی ناپذیر از جهانی شدن علم است، و در این زمینه، مشکل از "فرار مغزها" در کشورهای در حال توسعه به ویژه نگران کننده است. سیستم های مدرن آموزش روابط بیشتر و بیشتر نه تنها شامل کشورهای جدید بلکه به اقشار جدید آموزش و پرورش تعمیق دارد. هدف دولت است که مدارس و دانشگاه تنها آموزش پایه فراهم می کند. به منظور تعمیق دانش در رشته های خاص والدین درصدد، استخدام آموزگار برای دانش آموزان می باشند. در دانشگاه ها دانش آموزان بیشتر و بیشتر درگیر در مطالعه خود می شوند و علاوه بر این، آموزش از راه دور در حال توسعه است. همچنین، به منظور تعمیق دانش دانشگاه دانش آموزان به مطالعه تخصصی و انتخاب برنامه های کارشناسی ارشد و دکترا پرداخته می شود.

اکثر جوانان گرایش به آموزش عالی در خارج از کشور و بازگشت به سرزمین مادری خود است که عمدتاً توسط ذهنیت تصریح شده، اتصالات نسبی قوی و همچنین بازگشت با مقایسه های اجتماعی - اقتصادی رفاه، فرصت برای گرفتن یک شغل در ساختارهای دولتی، ملی و در شرکت های خارجی با حقوق بالا و رشد حرفه ای می باشد.

در این بیانیه از دلایل فرار مغزها به اندازه کافی برای از بین بردن کلی پدیده اقتصادی، سازمانی و سایر اقدامات لازم هستند. باید اقدامات پیچیده، و در وهله اول در روند اصلاح آموزش و پرورش و علم است.

جنبه اول بهبود کیفیت آموزش متوسطه و عالی است. برنامه دولت توسعه آموزش و پرورش را تصریح می کند و کل مجموعه از اقدامات، در میان آنها تامین مالی، افزایش اعتبار کارکنان آموزشی، بهبود مدیریت در حوزه آموزش و پرورش و اطلاعاتی آن است. با توجه به نقش و هدف از معلمان در آموزش و پرورش مدرسه، به توجه نزدیک در آموزش با کیفیت از کارکنان آموزشی برای مدارس و اول از همه، کسانی که از علوم طبیعی و زبان لازم است. دقیقاً از طریق آنها ممکن است به منظور بالا بردن سطح آموزشی عمومی برای آموزش ویژه کارمندان برای شرکت های موجود و آینده فنی و تکنولوژی مجهز، انجمنهای علمی صنعتی و غیره برنامه ریزی استراتژیک تصریح می کند معرفی سیستم آموزشی یادگیری الکترونیکی. علاوه بر این، برنامه ریزی برای اتصال تمام سازمان آموزش و پرورش به اینترنت نوار گسترده، به معرفی اتوماسیون فرایند آموزشی، به تجهیز سازمان آموزش و پرورش با بهترین تجهیزات و ایجاد مدارس دیجیتالی سطح جهان است.



همچنین به معیارهای عمومی شامل ایجاد کشور سیستم ملی خود را از مدرسه و آموزش عالی، که در آن سنت های ملی، ذهنیت و تفکر در ترکیب با عمل در جهان، دستاوردها از ایده های علمی، فنی و انسانی می شود در نظر گرفته

عنصر عینی و لازم از مشکل فرار مغزها تحت جهانی شدن فرایند آموزشی سمت قانونی خود، که در آن نظریه توسعه انسانی، و در درجه اول حق انتخاب، وضعیت در نظر گرفته شده است. بسیاری از کشورها استفاده از اهرم اقتصادی نفوذ در شهروندان خود، نیاز آنها را به بازگشت به سرزمین مادری خود، به دلیل منابع مالی بزرگ. تشویق می کنند با توجه به این واقعیت که بیشتر فارغ التحصیلان در کشورهایی که آنها آموزش دریافت کرده اند در آنجا می مانند، به عنوان جبران خسارت، دانشگاه های پیشرو جهان می تواند دانشمندان خود را به کشورهای دانشگاه در حال توسعه ارسال کند برای ارائه سخنرانی، و آموزش به مربیان و دانش آموزان در شرایط مطلوب انجام شود، که شکاف در کیفیت آموزش و پرورش بدون این نوع از کمک های بیشتر رشد خواهد کرد.

از جمله عوامل فرار مغزها در کشور این است که ما به مسائل مادی (در مقایسه با سایر عوامل) بیشتر توجه می کنیم و انسانها و افراد را فراموش می کنیم. می بنداریم که هر کس ماشین و ابزار آلات فناوری داشت، خوشبخت است، در حالی که به عکس، هرچه کشور پیشرفته تر باشد، باید نقش عوامل انسانی در آن مهمتر، برجسته تر و بیشتر باشد؛ مثلاً نقش انسانها در کشور ژاپن ۸۰ درصد است. به همین دلیل که عوامل انسانی در کشور ما کم رنگ است، بیشترین دغدغه کشور ما خارج نکردن ارز از کشور است، در حالی که ما هیچ توجهی به فرار مغزها نداریم. گویا، همین تغییر نگرش نسبت به افراد انسانی و توسعه انسانی در فرایند توسعه، عامل مهمی در کاهش پدیده فرار مغزهاست. با نگاهی اجمالی به آمار و ارقام مربوط به پدیده «فرار مغزها»، پیامدهای بسیار ناگوار آن غیرقابل تصور می نماید: در یک سو، کشورهای صنعتی و به اصطلاح مقصد قرار دارند که عاملی مهم در جذب نخبگان کشورها به شمار می روند و منبع مهمی برای جذب نخبگان، دین راسک وزیر خارجه آمریکا، بر این باور است که مهاجرت برای آمریکا یعنی یک منبع بزرگ نیروی علمی و مغزی که بسیار گرانبهاست. از سوی دیگر، کشورهای مبدأ هستند که همه سرمایه و هستی خود را تقدیم بیگانگان می کنند.

### دلایل فرار مغزها

آنچه که باعث ترک وطن و اقامت در کشورهای دیگر می شود، معمولاً به دو گروه عوامل مربوط می شود: عوامل دافعه و عوامل جاذبه، که این عوامل، با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تخصصی ارتباط دارند. مهم ترین مواردی که می توان در دسته مربوط به دافعه جای داد، عبارت اند از: افزایش فاصله طبقاتی، محدودیت آزادی، فرهنگ کاری ناکارآمد، کمبود امکانات تحقیقاتی و پایین بودن استانداردهای پژوهشی، عدم تعادل در درآمد و



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



هزینه ، بی عدالتی ، بی قانونی و پارتی بازی .

در مقابل علل رانشی ، مواردی وجود دارد که باعث جذب نخبگان در کشور دیگری می گردد . این عوامل کششی عبارت اند از : فرصت ادامه تحصیل ، رفاه اجتماعی ، تعادل هزینه و درآمد ، سیستم آموزشی کارآمد ، رفاه اقتصادی ، آزادی سیاسی و اجتماعی ، وجود فرصت های شغلی و امنیت شغلی .

در یک تقسیم بندی دیگر می توان علل فرار مغزها را در موارد زیر گنجانید:

۱. عدم تطبیق دانش ها و مهارت های متخصصان با نیازهای جاری جامعه : در کشورهای جهان سوم معمولاً رشته های دانشگاهی ، بدون ارتباط منطقی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی آنها ایجاد می شوند و گزینش و جذب دانشجو در این کشورها از یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده ای پیروی نمی کند که این امر ، با ازدیاد متخصص در رشته هایی خاص ، باعث اشباع جامعه از تخصص آنان می شود ، در نتیجه ، نوعی نابرابری بین میزان معلومات برخی از متخصصان و نیازهای کشورشان به این معلومات به وجود می آید که سرانجام به بی کاری این متخصصان می انجامد .

۲. عدم تخصیص بودجه و امکانات آموزشی و تحقیقی : در کشورهای جهان سوم ، به علت شتابی که معمولاً در کم کردن فاصله خود با کشورهای توسعه یافته در زمینه های گوناگون از خود نشان می دهند ، باعث می شود تا بیشتر به طرح ها و برنامه های مقطعی و زودثمر روی آورند تا بتوانند حیات سیاسی و ملی خود را حفظ نمایند . از این رو ، ممکن است به بخش هایی همچون آموزش و تحقیق که هزینه بر و طولانی مدت است ، اهمیت چندانی ندهند .

در چنین شرایطی ، افراد با استعداد و خلاق این سرزمین ها ، وقتی آن شرایط را برای کار و تحقیق خود کافی نمی یابند ، به سوی مناطقی که چنین امکاناتی را دارند ، حرکت می کنند . سرگذشت پروفیسور عبدالسلام (فیزیکدان مسلمان و مشهور پاکستانی) که به خاطر عدم وجود امکانات لازم ، سرانجام راهی غرب شد ، یکی از این نمونه هاست . وی - که برنده جایزه نوبل در رشته فیزیک در سال ۱۹۷۹ بود - پس از تکمیل تحصیلات خود به پاکستان بازگشت ، اما از آن رو که امکانات تحقیق را در آن جا بسیار ناچیز یافت ، مجدداً به غرب رفت و برای کمک به پیشرفت دانش و تکنولوژی در جهان سوم ، «آکادمی علوم جهان سوم» را در رم (ایتالیا) تأسیس نمود .

۳. عدم وجود برنامه کلی و مبتنی بر ضوابط خاص : در کشورهای کمتر توسعه یافته ، اکثراً چارچوب برنامه های توسعه برای پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی مشخص نیست و در حال تغییر و تبدیل است . در چنین بستر اجتماعی نامناسبی ، بسیاری از مواقع ، فارغ التحصیلان و متخصصان این گونه کشورها جایگاه واقعی خود را نمی یابند . از سوی دیگر ، به کارگماردن و اعطای مسئولیت های علمی و اجتماعی به افراد ، ممکن است تحت ضابطه ای خاص صورت نپذیرد که در نتیجه فاصله ایجاد شده بین اندوخته های علمی این گونه متخصصان و کاربرد آن



در جامعه ، منجر به خروج آنها از کشور می شود.

### تأثیر فرار مغزها بر کشورهای مبدأ و مقصد

سرمایه های انسانی و منابع طبیعی هر دو در رشد اقتصادی جامعه ، اثرات تعیین کننده ای دارند . تحقیقات تجربی نشان داده اند که سرمایه گذاری در منابع انسانی بیش از سرمایه گذاری در منابع طبیعی ، به رشد اقتصادی کمک می کند . امروزه نقش بنیادین و اصلی منابع نیروی انسانی در توسعه کشورها امری بدیهی و روشن است و به جرئت می توان گفت که ویژگی چشم گیر و بارز کشورهای پیشرفته ، وجود نیروی انسانی کارآ و متخصص است.

بنا بر این ، حرکت نیروهای ماهر و غنی انسانی ، تأثیرات روشنی را بر کشورهای فرستنده و کشورهای گیرنده خواهد گذاشت.

مهم ترین اثری که پدیده فرار نخبگان بر کشورهای مبدأ می گذارد ، اتلاف هزینه هایی است که صرف تعلیم و تربیت نیروهای ماهر و تحصیل کرده شده است.

از آن جایی که آموزش و پرورش ، یک کالای عمومی به حساب می آید و منافع مثبت مشخصی را برای جامعه دارد ، در نتیجه فرار مغزها ، صدمات مالی قابل توجهی حادث می شود . بنا بر این ، کشورهای مقصد ، از دانش و تخصص نخبگان مهاجر سراسر جهان به صورت رایگان ، بهره برداری می کنند.

همچنین بسیاری از نخبگان با فرار خود ، باعث خروج خانواده خود و مقدار قابل توجهی از سرمایه ملی کشور می شوند که این سرمایه ، برای ارتقای رشد اقتصادی یک کشور لازم است . این در حالی است که بعضی از مهاجرت ها باعث سودرسانی به کشورهای مهاجرفرست می شوند.

### روش شناسی:

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

### بحث اصلی

باتوجه به ارتباط مستقیم بین چالشهای توسعه علمی و خروج نخبگان از کشور، بنابراین می بایست راههای جلوگیری از فرار مغزها را نیز در توسعه برنامه های علمی و پژوهشی جستجو کرد. به عبارت دیگر، آن دسته از تدابیر و برنامه هایی که به رفع چالشهای علمی منجر خواهد شد می تواند به جذب و حفظ نخبگان نیز بینجامد. اگر چه تبیین مساله مهاجرت نخبگان برای هر کشوری نیاز به مطالعه موردی دارد و مقوله ای است که



نمی توان برای آن نسخه ای جهانی پیچید، اما با توجه به اشتراک برخی علل و عوامل مهاجرت مغزها از کشورهای در حال توسعه می توان رهیافت هایی برای حل این بحران ارائه کرد.

۱. جلوگیری از مهاجرت مغزها، موضوع برنامه ریزی بلند مدت و دقیق برای استفاده از نیروی انسانی است که متاسفانه تاکنون در کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲. جذب پیشگیرانه به عنوان یک راهبرد کارآمد دیگر باید کانون توجه قرار گیرد. هدف از این راهبرد درگیر کردن نخبگان در مقوله توسعه و خارج کردن آنها از وضعیتی است که آنها خود را قربانیان توسعه نیافتگی تلقی نکنند، بلکه توسعه نیافتگی را مشکل خود فرض کرده و در شرایط سخت بمانند و کار کنند.

۳. تقویت روند چرخش مغزها از طریق توسعه ارتباطات علمی بین المللی است؛ مفهوم چرخش مغزها که به سیکل حرکت به خارج از کشور برای آموزش و سپس کسب شغل در آنجا و در نهایت بازگشت به خانه برای دستیابی به مزایای یک فرصت خوب اشاره می کند، انتقال دانش به کشور اصلی را افزایش می دهد. برقراری پیوند و ارتباط با این مهاجران متخصص که ممکن است به دلیل پیوندهای فرهنگی و خانوادگی هنوز دغدغه کشور خود را داشته باشند، سبب خواهد شد تا فرصت های لازم برای مشارکت آنها در فرآیند توسعه کشورشان به نحوی مفید و ثمربخش فراهم آید.

### مکانیسم های پیشگیری از فرار نخبگان

با توجه به اهمیتی که نخبگان و متخصصان در توسعه و پیشرفت کشور دارند، کشورهای در حال توسعه در صد اتخاذ تدابیری هستند تا از فرار نخبگان جلوگیری کنند یا لاقبل آن را کاهش دهند.

#### الف - شناخت صحیح مسئله

۱. انجام دادن پژوهش های میدانی در داخل و خارج از کشور از علل مهاجرت نخبگان و موانع بازگشت آنها؛
۲. بررسی تجارت کشورهای موفق در برخورد با پدیده فرار مغزها؛
۳. انعکاس نتایج تحقیقات و تجارب به مسئولان و تصمیم گیران و عموم مردم در جهت اصلاح نگرش به پدیده فرار مغزها.

#### ب - جمع آوری اطلاعات

۱. جمع آوری مجموعه های آماری از محققان و متخصصان خارج از کشور و بررسی علل و دسته بندی آنها؛
۲. فعال نمودن نمایندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خارج از کشور، برای ایجاد ارتباط با نخبگان خارج از کشور و بررسی شرایط مساعد بازگشت آنها؛
۳. معرفی نخبگان مقیم خارج از کشور به مراکز علمی و پژوهشی داخل کشور جهت توسعه ارتباطات.





ج - تشکیلات تخصصی و صنفی

۱. تشکیل انجمن های علمی - تخصصی در داخل کشور و عضویت نخبگان مقیم خارج از کشور در آنها و دعوت از آنها برای سخنرانی؛

۲. توسعه ارتباط تشکیلات تخصصی و صنفی نخبگان با انجمن های صنعتی و کاربردی، به منظور حمایت سرمایه گذاران از دانشمندان.

د - ایجاد مراکز تحقیقات مجهز با مدیریت حرفه ای و مناسب برای جلب نخبگان از جمله شهرک های تحقیقاتی و ...

ه - ارتقای سطح دستمزدها و یکسان سازی درآمد صاحبان مدارج علمی بالا از طریق نظام هماهنگ حقوق، در بین متخصصان و دانشمندان

و - ایجاد انگیزه بیشتر برای تشویق به ادامه کار و تحصیل در کشور

در کنار آموزش های فنی و زیربنایی و به روز نخبگان، راهکار دیگر این است که این است که صندوقی بدین منظور در نظر گرفته شود تا فارغ التحصیلان دانشگاهی، به محض فراغت از تحصیل و تا زمانی که موفق به پیدا کردن شغل و کاری مناسب نشده اند، از این صندوق وام های اشتغال، حق بیمه بی کاری و مانند آن دریافت دارند.

نظارت بر فارغ التحصیلانی که به خارج می روند و ارتباط عاطفی با آنان از دیگر راهکارهای جذب نخبگان است. نظارت بر رشته های علمی مورد نیاز بدین صورت که دولت بر اساس نیازهایی که دارد، اقدام به آموزش و تربیت کادر مجرب و مورد نیاز خود کند و در مقابل، تعهد کند که به فارغ التحصیلان و نخبگان تربیت یافته کاری مناسب واگذار نماید، از دیگر اقدامات مؤثر است. بدین صورت افزون بر آن که از هدر رفتن نیروهای نخبه و ذخایر انسانی جلوگیری می شود، شاهد پویایی و بالندگی و توسعه همه جانبه کشور خواهیم بود.

تأسیس مرکز کارایی برای فارغ التحصیلان و نخبگان دانشگاهی از جمله اقدامات بایسته است تا دانشجو پیش از فراغت از تحصیل بتواند بنا بر علاقه و نیاز، شغل آینده خود را انتخاب کند و به محض فراغت از تحصیل در مراکز مورد نیاز، به خدمت گمارده شود. ارتباط صنعت و دانشگاه از جمله عوامل مهمی است که موجب جلوگیری از فرار مغزها می شود. نبود ارتباط بین دو نهاد و عدم تناسب آموزش های نظری با فعالیت های عملی از جمله عوامل مهم پدیده فرار مغزهاست؛ یعنی در دانشگاه به مباحث صرفاً نظری پرداخته می شود و در صنعت، که محل کار و عمل و میدان است، این مباحث کارایی لازم را ندارد. ارتباط این دو مرکز مهم از جمله عوامل قطع وابستگی و علاقه مند ساختن دانشجو و جذب سرمایه ها و اشتغال زایی در صنایع است. باید به این دشواری بزرگ به عنوان یک پدیده ملی نگاه شود. دولت و مجلس و رسانه های همگانی نسبت به حل آن عزم ملی از خود نشان



دهند. وجود ثبات و آرامش سیاسی و همدلی، همکاری و وحدت نیروهای خودی و احزاب سیاسی و مسئولان زمینه ساز ثبات و آرامش روحی افراد خواهد بود و این خود زمینه ساز حل بسیاری از مشکلات. احترام و توجه بیشتر به علم، دانش، خلاقیت و تحصیل ضروری است. نخبگان و تحصیل کردگان جامعه باید در صدر توجه مسئولان فرهنگی و رسانه‌های همگانی قرار گیرند. علاوه بر این، باید ستادهای ویژه ای تشکیل شود و مشکلات مادی و معنوی فارغ التحصیلان و نخبگان کشور را خارج از برنامه و به صورت ضربتی حل نمایند. تأسیس شهرک‌هایی برای محققان و تأمین همه نیازهای علمی، تحقیقاتی، مادی و معنوی آنان در این مجموعه، به گونه ای که آنان بتوانند با خیالی آسوده به حل معضلات علمی و فرهنگی جامعه همت گمارند، مطلوب است. روشن است که برای هر مجموعه علمی همسویی، می‌توان چنین کاری کرد؛ بخش صنعت، بخش کشاورزی، بخش خدمات، علوم انسانی، علوم پایه و....

تجدیدنظر جدی در وضع دانشگاه‌ها و بودجه‌های تحقیقاتی آنان و تخصص اعتبارات و امکانات ویژه ای برای آنان در راستای تحقیق و پژوهش باید مورد توجه باشد. تغییر ساختار نظام آموزشی، تغییر نظام حاکم بر مؤسسات آموزش عالی، گماردن افرادی شایسته و فارغ از گرایش‌های سیاسی، حزبی و جناحی بر صدارت آن‌ها، از جمله عوامل مؤثر در جلوگیری از پدیده فرار مغزهاست و سرانجام آنچه از همه مهمتر است، اصلاح مفاسد اداری و حاکمیت روابط شخصی و جناحی بر آنهاست.

### نتیجه گیری

پدیده مهاجرت نیروی تحصیلکرده و متخصص از کشوری به کشور دیگر در سرتاسر جهان جریان دارد و تنها مختص به کشورهای در حال توسعه نیست، بنابراین آنچه مهم است نحوه برخورد با این پدیده است. مساله مهاجرت مغزها به این دلیل برای کشورهای توسعه نیافته چندان بحران آفرین نیست که اگر این کشورها نخبگانی را از دست دهند، توانایی جذب نیروهای متخصص یا به اصطلاح مبادله مغزها را دارند. در صورتی که کشورهای در حال توسعه، نه توان حفظ نخبگان را دارند، نه امکان و توان جذب نخبگان و متخصصان دیگر کشورها را، به این دلیل مساله مهاجرت نخبگان صدمات جبران ناپذیری را به کشورهای در حال توسعه وارد می‌کند. از سویی دیگر در فرآیند مهاجرت نخبگان و متخصصان نه تنها نخبگان که ثروت ملی یک کشور به حساب می‌آیند، از دست می‌روند، بلکه پس از گذشت قرن‌ها از نظر ژنتیکی، کشورهای نخبه پذیر به جوامع نخبه تبدیل می‌شوند

به هر حال، با توجه به نقش کلیدی نیروی انسانی متخصص در توسعه اقتصادی پایدار، پدیده مهاجرت مغزها برای کشورهای در حال توسعه ضایعه بزرگی است که می‌بایست برای جلوگیری از پیشرفت آن بدون دفع وقت



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



اقدام کنند. آن چه سبب تبدیل مهاجرت متخصصان به بحران بزرگی برای کشورهای در حال توسعه می شود، برخورد انفعالی با این مساله است، چرا که منابع انسانی بنا به اذعان کارشناسان اقتصادی و سیاسی، مهم ترین سرمایه هر کشور است؛ چنان چه آلمان و ژاپن را پس از جنگ های بزرگ، هیچ سرمایه فیزیکی جز نیروی انسانی همان کشورها، احیا نکرد.

به علاوه، روند اتحاد سیاسی کشورها باید برای شکل گیری مراکز تحقیقاتی بین المللی و موسسات آموزش عالی، صندوق های آموزشی بین المللی استفاده می شود. فرایند جهانی شدن باید در جهت معکوس استفاده شود، دانشگاه جهان می تواند به کشورهای دهنده توسط مشاوره های علمی فراهم آورده است. در تدوین برنامه درسی با در نظر گرفتن روند جهان و تحقق از جهات مختلف علم، آموزش پزشکان و کارشناسان. این مهم است که برای جذب دانشمندان از کشورهای در حال توسعه به فرآیندهای تحقیقات علمی مربوط که به طور مستقیم بر مشکل سرزمین مادری خود و نتایج آن می تواند برای حل مشکلات جهانی استفاده شود. این شرایط برای تبادل تجربه با کمک مالی اضافی، و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمی دانشمندان بدون تخلیه کشور خود ایجاد کنند.

همکاری در روند آموزش کارکنان اولین گام در ادغام آموزش و پرورش دانشگاه کشورهای مختلف است. نتیجه اصلی در این فرایند کار مشترک از کشورهای مختلف برای نیازهای آموزشی، علمی، خدماتی و صنعتی است. در نگاه اول، چنین نوع از همکاری روسای جمهور سه کشور بر اساس مرکز تحقیقات اسکولکوو در روسیه اعلام شد. با این حال، اگر ابتکار عمل در این نقطه متوقف می شود، ما به موقعیت اولیه بازگشت داده خواهیم شد. اما اول از همه باید منافع محققان مراکز علمی از کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود. با این حال، آموزش نه تنها باید برای دانشمندان جداگانه ارائه شده است، اما همچنین برای گروه از دانشمندان که بازگشت به مرکز علمی خود را دارند کار را ادامه خواهد داد.

فرار مغزها مشکلی نیست که به تازگی به نظر می رسد، اما در هر مرحله از روند آموزشی در شرایط جهانی شدن آوردن ارزش های ملی و انسانی، به تلقین در دانش آموزان، متخصص جوان و عشق به سرزمین مادری و مسئولیت در مقابل هموطن را ایجاد می کند.

بکارگیری یک سری از اقدامات جامع در فرایند اتحاد سیاسی کشورها باید به بهترین وجه آن استفاده شود. مراکز تحقیقاتی بین المللی، موسسات آموزش عالی و صندوق بین المللی آموزش و پرورش، که بدون شک به بهبود کیفیت آموزش و آوردن فرصت های بیشتری برای پیدا کردن شغل مناسب و معقول در داخل کشور، کمک می کند. علاوه بر این، توجه ویژه ای باید به شکل گیری نظام ملی آموزش متوسطه و آموزش عالی بر اساس عمل بین المللی و همچنین دستاوردهایی در زمینه های علمی، فنی و انسانی پرداخته شود.



## Abstract

Paper presented at the impact of globalization on "brain drain" in developing countries has been proposed. Globalization is primarily manifested in educational mobility. Growing international mobility of academic staff as an integral feature of the globalization of knowledge, and in this context, the problem of "brain drain", especially in developing countries is worrying. Reasons "brain drain" from countries with low standard of living and education about the Bashd.kh shown in the present paper.

Key words: globalization, the planet, the brain drain, brain drain

## فهرست منابع:

- توکل، محمد، عرفان منش، ایمان، فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۴۵-۷۵
- خسروی، محبوبه، ابراهیمی، زهرا. جهانی شدن و تعلیم و تربیت/پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی
- شکاری عباس ودیکران. بیدا و بنهان جهانی شدن. ۱۳۸۶ تهران نشر بویس اندیشه
- علی ابادی، علی. فرار مغزها در عصر جهانی شدن/ فصلنامه مطالعات راهبردی. سال چهارم شماره چهارم. زمستان ۱۳۸۰. شماره مسلسل ۱۴
- حسین شهیدزاده، «فرار مغزها، مشکل بزرگ جهان سوم»، / اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ش ۴۴ و ۴۵
- حسن وقوفی، فرار مغزها، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زاهد
- مجله اقتصادی، ش ۷، پانزدهم مهر ۱۳۶۸، ص ۴۴: «علل و انگیزه های فرار مغزها از کشورهای جهان سوم و راه های جلوگیری از آن».
- Yong Zhao. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), 2015, Pages 247-253
- Zhatkanbaeva A, Zhatkanbaeva J, Zhatkanbaeva E. the impact of globalization on brain train" in developing countries. procedia-social and behavioral sciences 47(2012)1490-494